

تبیین خاستگاه‌های شناختی و ترسیم مدل ذهنی گروه تروریستی داعش

حدیث اقبال^۱

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۸ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۴

چکیده

سؤال اصلی این پژوهش آن است که ریشه‌های شکل‌گیری شناخت و رفتار تروریست‌ها و بالاخص مهمترین گروه تروریستی موجود یعنی داعش چیست و چه مدلی در این راستا می‌توان ارائه داد؟ چارچوب شناخت اجتماعی، بر مبنای تعامل فرد با محیط به طرح موضوعاتی چون «خاستگاه شناختی»، «سبک‌های شناختی»، «الگوهای شناختی» و «ظرفیت شناختی» به بررسی «زبان»، «خاستگاه زیستی - روانی»، «سازه‌های ذهنی» و «فرهنگ اجتماعی» پرداخته و ریشه‌های شکل‌گیری شناخت تروریست‌های داعش را توضیح می‌دهد. به منظور ترسیم مدل ذهنی تروریست‌های داعش از روش تحلیل محتوای کیفی و نرم افزار *Xmind* استفاده شده است. مضامین استخراج شده و موجود برای ترسیم مدل ذهنی شامل عقاید (ترجیح نقل بر عقل، فقه التکفیر، سلفی‌گری و حافظه گذشته‌گرا، نص‌گرایی جمودی)، استعاره‌ها (بدعت، شریعت، جهاد، خلافت و خلیفه)، فضای زندگی (نابنجاری بازتولید شده در خانواده، احساس محرومیت نسبی)، خاستگاه زیستی - روانی (دونیمگی و تفکر سیاه - سفید و همه یا هیچ، مرگ پرستی، خشونت بدخیم، سلطه غریزه، هدایان عظمت و خودستایی مرضی، شخصیت ضد اجتماعی)، گروه (حس تعلق و خویشاوندی ساختگی، خطر به مثابه ارزش، فشار اطاعت و موفقیت) و بحران هویت (مناقشه و تداخل فرهنگی، هژمونی غرب و حقارت عرب، احیای شکوه اسلامی) است. بر مبنای تحلیل و تبیین این مضامین، مدلی نیز ترسیم شده است.

واژگان کلیدی: تروریسم، داعش، مدل ذهنی، فرد، محیط.

مقدمه

گروه تروریستی داعش متأخرترین و مهم‌ترین گروه تروریستی است که اکنون جهان با آن مواجه است. این گروه در ابتدا با عنوان «دولت اسلامی عراق» در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶ و پس از نشست شماری از گروه‌های مسلح در عراق شکل گرفت. در این نشست ابوعمر البغدادی به عنوان سرکرده آن تعیین شد. پس از هلاکت وی، ابوبکر البغدادی جایگزین او شد و با ادغام شاخه تروریستی «جبهه النصره» در سوریه با جبهه اسلامی عراق، شکل‌گیری داعش به خلافت خود را اعلام نمود. این گروه از زمان تشکیل تاکنون، عملیات و حملات تروریستی بسیاری را در عراق و سوریه و دیگر کشورهای جهان بر عهده گرفته و جنگ داخلی تمام‌عیاری را در دو کشور سوریه و عراق به راه انداخته و چندین شهر را تصرف کرده است. میزان خشونت، وحشی‌گری، ظاهر و تیپولوژی عجیب و غریب و میزان پمپاژ شر و جنایت این گروه تعجب همگان را برانگیخته است. بسیاری از خود می‌پرسند به راستی چه فرآیندی موجب ساخت چنین شناخت و ذهنیتی بوده است و این رفتارها از چه اندیشه‌ای در آنان ریشه گرفته است؟ عدم درک صحیح مسئله، راه‌های مقابله و مداخله برای حل این مشکل را بسته است و مسئله را تشدید نموده است. در همین راستا باید توجه داشت که شناخت انسان مبنای رفتار و عمل انسان است و آنچه که انسان را به رفتاری خاص می‌انگیزد ذهنیتی است که نسبت به آن دارد. برای درک هر رفتاری باید شناخت کنش‌گر را واکاوی نمود. شناخت نیز مقوله‌ای است که به یکباره و تصادفی پدید نمی‌آید بلکه هر شناختی منبع و خاستگاه‌هایی دارد. یک تروریست مثل هر انسان دیگر ذهنیت، درک و شناخت خاصی از خود، خانواده، اجتماع و جهان دارد. عدم درک صحیح از «شناخت تروریستی» از عوامل تشدید و گسترش تروریسم بوده است. در این پژوهش ابتدا مباحث مفهومی و نظری در باب شناخت و خاستگاه شناختی آورده شده است. در گام دوم، تحلیل محتوا از داده‌های موجود در مورد داعش ارائه شده و بر این اساس مدلی رسم شده است.

خاستگاه شناختی و سبک‌شناختی

عناصر اصلی «نظریه شناختی»^۱ از حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی «شناخت اجتماعی»^۲ گرفته شده است. مفهوم اساسی این است که تعامل افراد با محیط خود بر اساس چگونگی درک و تفسیر موضوعات صورت می‌گیرد. بر همین اساس است که مردم یک نقشه شناختی درونی از

1. Cognitive Theory
2. Social Cognition

محیط اجتماعی بیرونی‌شان می‌سازند و این درک و دریافت‌هاست که به رفتار آنها شکل می‌دهد و نه واقعیات عینی پدیده‌ها (Dodge, 1997: 171-180). به گفته کرنشاو، اصول «شناخت اجتماعی» هم برای فهم تروریست‌ها و هم برای سازمانشان کاربرد دارد و «خاستگاه اقدامات تروریست‌ها تفسیر ذهنی آنها از جهان به جای واقعیت عینی است» (Crenshaw, 1988: 10). در همین زمینه ظرفیت شناختی به کارکردهای ذهنی از قبیل حافظه، توجه، تمرکز، زبان و یادگیری پرداخته و به پیش‌بینی نتایج برای رسیدن به استنباط‌های معقول می‌پردازد (Lezak, 1995: 211).

سبک‌شناختی اشاره به راه‌های فکر کردن دارد که به گرایش‌ها، تعصبات، تمایلات در تصمیم‌سازی‌ها می‌انجامد و باعث می‌شود فرد بر موضوعی تأکید داشته باشد و یا موضوعی دیگر را نادیده بگیرد. سبک‌های شناختی بر رفتارهای تهاجمی رهبران سیاسی نیز تأثیر گذارند (Sutterfield, 1998: 46) تیلور و کوایل بر این باورند که پیوستن افراد جوان به گروه‌های تروریستی یک خطای اساسی است که بر اساس تعصب شناختی و شناخت نادرست از انگیزه‌های واقعاً شیطانی و کسانی که آنها را ظالم می‌نامند و به عنوان ظالم درک می‌کنند نشأت می‌گیرد (Tailor and Coil, 1998: 11). در همین خصوص، سیدانویس مطالعه‌ای در خصوص سبک‌های شناختی تروریست‌ها انجام داده و به آزمایش فاکتورهای شناختی در انواع مختلفی از افراط‌گرایان پرداخته‌اند تا میزان محافظه‌کاری، انعطاف شناختی، پیچیدگی شناختی و میزان تحمل وضعیت ابهام را در آنان بسنجند. بر این اساس آنها به این نتیجه رسیده‌اند که افراط‌گرایان دارای بیشترین پیچیدگی شناختی و «کمترین انعطاف شناختی» هستند. همچنین افراط‌گرایان دارای «کمترین تحمل وضعیت ابهام» و متمایل و نیازمند به «یکپارچگی و قطعیت» در امور هستند (Sidanuis : 1998- 38-52).

خاستگاه‌های شناختی

بر اساس تحقیقات والترز ارتکاب جرم رابطه کمتری با توانایی عقلانی یک فرد دارد بلکه تا حد زیادی با چگونگی شکل‌دهی تجربه فرد برای «الگوهای شناختی» ویژه در ارتباط است. از این رو «تعیر» افراد از رویدادها و انجام رفتارهایش مواردی هستند که هنگام شناسایی مجرمیت باید در نظر داشت. یاچلسن و سیم‌ناو از جمله نخستین پژوهشگرانی هستند که آشکارا بر پیوند شناخت و جرم تأکید کرده‌اند و بر این باورند که توانسته‌اند به کمک مصاحبه‌هایی که با مجرمان انجام داده‌اند به «الگوهای تفکری» که مشخص‌کننده تمامی مجرمان است دست یابند. این الگوهای فکری بسیار متعددند و از آن میان می‌توان به تفکر عینی، شکست در هم احساسی با

دیگران، فقدان تصور درست از زمان، تصمیم‌گیری غیرمسئولانه و ادراک خویشتن به منزله قربانی، اشاره کرد (دادستان، ۱۳۸۷).

خاستگاه شناختی اشاره به نحوه «درک و تفسیر» موضوعات از سوی افراد و منابع و ریشه‌های شکل‌گیری این درک دارد. خاستگاه شناختی مصدر پمپاژ کننده «ذهنیت» است و برای درک کنش افراد باید به خاستگاه صدور و ساخت ذهنیت آن مراجعه نمود. برای تبیین این امر نظریات نظریه‌پردازان خلق‌گرا به اهمیت افراد به دلیل تأثیرگذاری معنادار ویژگی‌های روانشناختی آن‌ها بر رویدادها و پیامدهای واقعی توجه دارند (Frank: 2004, Laswell: 1930, Patel: 2004).

به نظر می‌رسد صرف مطالعه عوامل فردی و بیولوژیک و یا صرف توجه به عوامل موقعیتی نمی‌تواند به تنهایی تبیین‌کننده خاستگاه شناختی گروه تروریستی داعش باشد و نیاز به مطالعه‌ای چندوجهی است. در این پژوهش برای مطالعه خاستگاه شناختی گروه داعش از چارچوب جدیدی به نام «شناخت‌شناسی گفتمانی» استفاده می‌شود. این رویکرد از طیف رویکردهای تعاملی است که در «نظریه میدان» آمده است. کورت لوین^۱ روان‌شناس اجتماعی معروف بر اساس فرمول $B=F(P,E)$ نظریه میدان را مطرح نموده است که طبق آن شکل‌گیری یک شناخت و به تابع آن کنش و رفتار مبتنی بر آن شناخت، تابعی از تعامل میان شخص و محیط است. وقتی سؤال شود چه عواملی تعیین‌کننده رفتار انسان است؟ روانکاوانی چون فروید عوامل درونی و فرآیندهای روان‌شناختی و علمای سیاسی و اجتماعی چون مارکس عوامل بیرونی و اجتماعی را مسئول می‌دانند. در حالیکه لوین هر دو دسته عوامل را در تعیین رفتار انسان سهیم می‌داند (کریمی، ۱۳۹۳: ۴۸). اعتقاد لوین به اینکه عوامل درونی و بیرونی هر دو افکار و رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، صورت ابتدایی‌تر دیدگاهی است که امروزه به «چشم‌انداز تعامل‌گرا»^۲ موسوم است. تئوری میدانی بر مبنای این عقیده اصلی لوین شکل گرفته است که می‌گوید افکار انسان در نتیجه مشاهده اعمالی که در میدان قدرت او اتفاق می‌افتند شکل می‌گیرد. او میدان را اینگونه تعریف می‌کند: کلیت واقعیت‌هایی که به طور دوجانبه به هم وابسته‌اند و از هم تأثیر پذیرفته و بر هم تأثیر می‌گذارند (کرنشاو و مک‌کلوج، ۲۰۰۸: ۸۷). لوین در شکل‌بخشی به تئوری‌اش واژه «فضای زندگی» را آفرید که نمایانگر هر چیزی در میدان است که شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد و به واسطه تغییرات در محیطی که او در آن زندگی می‌کند دگرگون می‌شود. به خاطر همین دگرگونی‌ها است که افراد در محیط‌ها و فضاها مختلف افکار متفاوتی دارند. رفتار نیز تابعی از همین تغییرات در فضای

1. Kurt Lewin
2. Interactionist Perspective

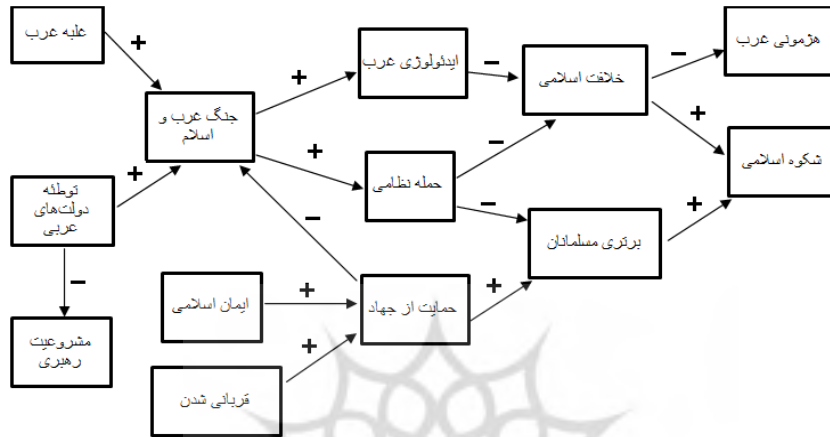
زندگی است و بر اساس همین تغییرات شکل می‌گیرد (شکرکن و دیگران، ۱۳۷۲: ۷۷). اعتقاد لوین به اینکه عوامل درونی و بیرونی هر دو افکار و رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، صورت ابتدایی‌تر دیدگاهی است که امروزه به «چشم انداز تعامل گرا» موسوم است. بر بنیاد نظریه‌های تعامل گرا، در این چارچوب برای تبیین خاستگاه‌های شناختی بر گزاره‌هایی چون «زبان»، «هویت و خویشتن»، «جهت‌گیری‌های روانی بر مبنای خاستگاه زیستی روانی»، «فرهنگ اجتماعی»، «استعاره‌ها و گنجینه‌های تفسیری»، «باورها و نگرش‌ها» تأکید می‌شود و بنابراین رهیافتی چندوجهی است که برای تکمیل فرآیند مطالعه بر تنوع توجهات و نقاط تمرکز تأکید دارد تا نتیجه نهایی بتواند تبیین کامل‌تری از خاستگاه شناخت این گروه ارائه دهد.

درک خاستگاه‌های ذهنی تروریست‌ها صرفاً نمی‌تواند با تکیه بر یک عامل و متغیر صورت گیرد. در چارچوب طرح شده این پژوهش، عواملی که ذکر می‌شوند در کنار هم باید به تبیین این خاستگاه‌ها بپردازند. همانطور که اشاره شد در این پژوهش عناصر زبان، با تمرکز بر عقاید و نگرش‌ها (ایدئولوژی، نظام اندیشگی)، نحوه ادراک جهان (چارچوب فهم جهان)، استعاره‌ها و شیوه تفسیر، ریشه و خاستگاه زیستی - روانی (شخصیت کاوی)، هویت و فرهنگ اجتماعی (سازه‌های ذهنی اجتماعی) به عنوان مبانی تبیین شناخت تروریستی در نظر گرفته شده‌اند.

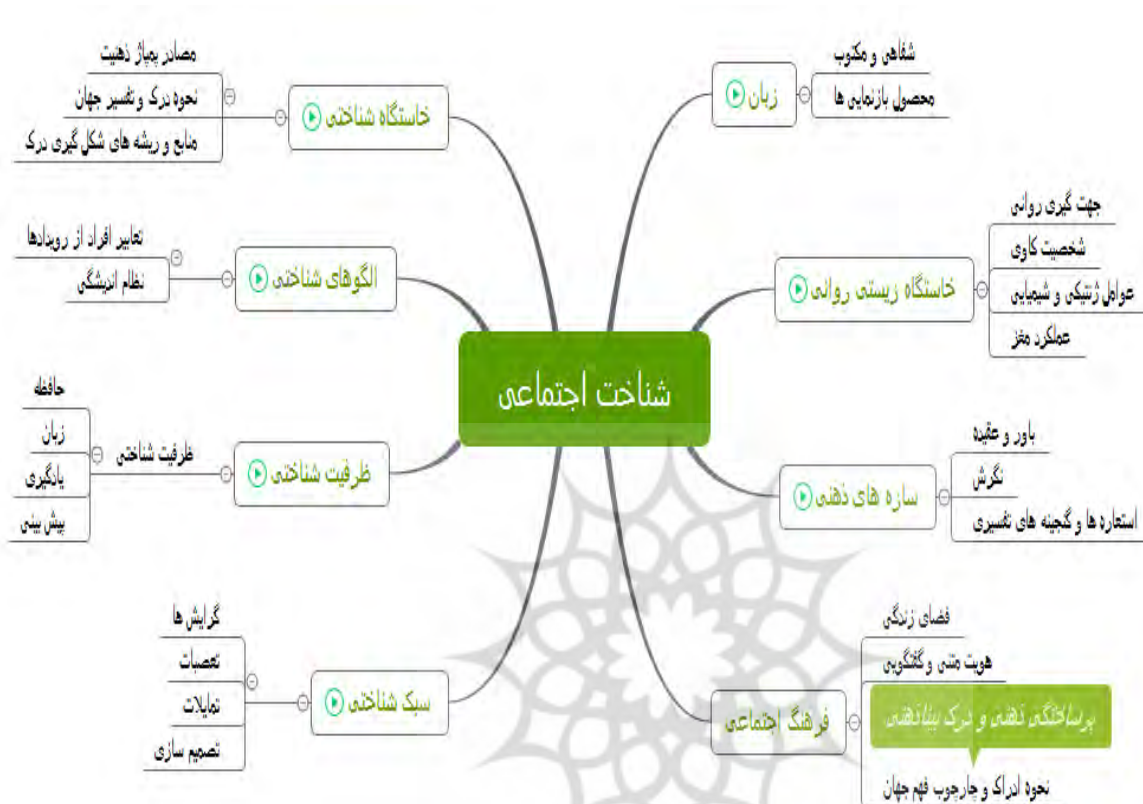
عقاید و باورهای (عمدتاً مذهبی) کنشگران که به مرور زمان شکل گرفته و استحکام یافته‌اند، به کنشگر می‌گویند چه چیزی درست و برحق و چه چیزی نادرست و باطل است. ذهنیت‌ها، عقاید، اسطوره‌ها و باورهای موجود در هر جامعه به نوعی «زمینه فرهنگی» ایجاد می‌کنند که بروز یا عدم بروز خشونت را تقویت و یا تضعیف می‌نماید (فکوهی، ۱۳۷۸: ۷۹). تعلقات ایدئولوژیک و متصلب افراط‌گرایان، پایدارترین و مؤثرترین منشاء هویتی - رفتاری آنها شناخته می‌شود. اعتقادات درونی در یک نظام فکری ایدئولوژیک به صورت شهودی و متصلب تحقق می‌یابد و به تمام تردیدها پایان می‌دهد (بشلر، ۱۳۷۰: ۷).

از منظر بیولوژیکی و زیست‌شناختی، تروریسم به عنوان ظهور روانی یک انحراف رفتاری در فرد تروریست شناخته می‌شود. در روش‌های بیولوژیکی، «عوامل عصبی شیمیایی»، «مطالعات انتقال عصبی سروتین»، «عوامل هورمونی» و «عملکرد کورتکس پیشین» عمده مطالعات محرک شکل‌گیری ذهن تروریستی را شامل می‌شوند. از آن جمله می‌توان به خشونت بدخیم، ذهنیت تروریستی خودستایی مرضی و «سازوکار برونی کردن^۱ و ذهنیت دونیمگی (خود و دیگری)، له یا

علیه) اشاره کرد. در بحث از خاستگاه اجتماعی هویت گروهی، تعامل، فشار اطاعت و رهبری، خویشاوندی ساختگی، بحران هویت، محرومیت نسبی مطرح است. رویکرد فرهنگی برای بازساخت بنیادساختی تروریسم» نیز یک بنیان فرهنگی است که توضیح می‌دهد رفتار تروریستی بازتابی از فرهنگ تروریستی است. در مورد داعش می‌توان الگوی فرهنگی زیر را متصور شد.



برای تبیین نظری خاستگاه ذهنی داعش می‌توان مدل زیر را از مباحث مطرح شده استخراج نمود.



تحلیل داده‌ها

روش‌های نوین تحقیق در باب شناخت و ذهن انسان را در چارچوب «شناخت‌شناسی اجتماعی» می‌توان جست. در رویکردهای شناخت‌گرایی اجتماعی، زبان شفاهی و مکتوب را بازتابی از جهان خارج، محصول بازنمایی‌های ذهنی و همچنین برساخته‌هایی از جهانی می‌دانند که برای کنش اجتماعی ساخته و پرداخته شده‌اند. غالباً در شناخت‌شناسی اجتماعی از «داده‌های طبیعی»^۱ استفاده می‌شود. از جمله نمونه داده‌های طبیعی می‌توان به پیاده کردن متن گفتگوهای روزمره، متون رسانه‌ها و متون علمی اشاره کرد. مزیت این نوع داده‌ها این است که محقق تأثیری بر داده‌ها نمی‌گذارد و نوع داده‌های گردآوری شده این امکان را به محقق می‌دهد که تنوعات

1. Naturally Occurring Material

ذهنی را در چارچوب بسترهای اجتماعی گوناگون انجام دهد (Potter & Wetherell, 1987: 162). برای این منظور می‌توان از تحلیل محتوا یاری جست. بزرگترین تفاوت تحلیل محتوا در شناخت‌شناسی اجتماعی با سایر روش‌ها در این است که شناخت‌شناسی اجتماعی نگاه متفاوتی به روابط زبان، معنا و وضعیت‌های روانی افراد دارد. بر این اساس معنا در زبان و استعاره‌های موجود جای گرفته است.

در این پژوهش از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. زیرا این پژوهش به دنبال کشف و استخراج مفاهیم و گونه‌شناسی داده‌های موجود و نه تعیین کمیت مفاهیم موجود است. به طور اساسی تقلیل متن به اعداد در تکنیک کمی، به دلیل از دست دادن اطلاعات ترکیبی و معنا، اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (فسیو و شانون، ۲۰۰۷: ۱۲۱).

از اساسی‌ترین تغییر روش‌های داعش نسبت به نسل‌های پیشین القاعده، تغییر در امر رسانه‌ای آن است. اگر القاعده نسل اول، از چند تلویزیون و رادیوی محلی، روزنامه‌های عربی زبان «القدس العربی» یا «الشرق الاوسط» و در نهایت تلویزیونی «الجزیره عربی» بهره می‌برد، داعش اکنون تمرکز فعالیت خود را بر روی رسانه‌های اجتماعی گذشته است. در این پژوهش پس از بررسی ۱۰۰ متن، تصویر و فیلم موجود از رسانه‌های اجتماعی، خبری و مصاحبه‌های موجود، ۳۱۱ کد شناسایی شد که از این پس عنوان مضمون به آنها داده می‌شود. سپس به کاهش تعداد مضامین و شناسایی الگوهای میان آنان پرداخته شد. مضامینی که مترادف یا دارای معانی مشابه بودند در کنار یکدیگر قرار گرفتند و جمعاً یک طبقه را شکل دادند. به این ترتیب طبقاتی شکل گرفتند که از آنها به عنوان «مقولات» نام برده شده است. مقولات به طریقی شکل گرفتند که درون هر مقوله، مضامینی مشابه وجود دارد. مضامین یا کدهای جامع استخراج شد که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد. جامعه آماری و نمونه‌های انتخابی این پژوهش از رسانه‌های مشهور جهان، شبکه‌های اجتماعی (ویدئوهای منتشر شده از داعش)، اخبار مربوط به داعش، مصاحبه‌های انجام شده با افراد بازداشتی در مجلات است که ۱۰۰ عنوان در این خصوص انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. برخی از این خبرها شامل مصاحبه با برخی تروریست‌های بازداشت شده، اقدامات داعش، پیام‌های مخابره شده از فرماندهان داعش، فایل‌های صوتی و تصویری اعضای

داعش و سخنرانی‌های منتشر شده از رهبران آن خصوصاً ابوبکر البغدادی است. در این پژوهش مطابق مدل نظری موجود، واحد معنا از منابع و نمونه‌های مختلف انتخاب شده است. برای افزایش قابلیت اعتبار یافته‌ها نیز از روش‌های ذیل استفاده شده است: استفاده از تکنیک‌های تثلیث نظیر استفاده از منابع تأییدگر، استفاده از کسب اطلاعات دقیق موازی یعنی ارائه تحلیل‌های داده‌ای و نتایج متخصصان امر، شفاف سازی، تدقیق و ظرافت کاری محقق در بیان مفوضات جهت نظردهی پژوهش، تأمل و خودبازبینی محقق در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده (عباس زاده، ۱۳۹۱: ۳۹-۱۶) و از سه نفر ارزیاب برای مشاوره در زمینه مقولات و مضامین و کدهای یافت شده و همچنین انتخاب نمونه‌های تحقیق است.

نمونه مضامین (کدها)	مقولات	واحد معنا
استعاره خودی و غیر خودی	جهاد تنها راه حل،	* آنها کافر بودند، شیعیان کافرند و من به این امر اعتقاد دارم. این یک جهاد است.
ناکامی - خشونت / خودشیفتگی - خشونت، ذهن خودبرترین وحشت آفرین، لذت از نمایش خشونت (ناهنجاری روانی)	هذیان عظمت، استعاره عبرت، رسالت خودساخته تنبیه و تأدیب غیر، لذت خشونت، خشونت ابزاری	* داعش خلبان اردنی اسیر شده را زنده در آتش سوزاند، * داعش عده‌ای از اسیران عراقی را زنده کباب کرد، * دو سرباز ترک زنده در آتش سوزانده شدند، * سازمان ملل متحد در گزارشی، حجم گسترده خشونت‌های بی‌سابقه و عجیب علیه زنان و معتقدین به ادیان دیگر در مناطق تحت سلطه داعش را منتشر ساخته است.
ذهن گذشته‌گرا	سلفی‌گری	* داعش هدف خود را احیای خلافت اسلامی و تشکیل دولت اسلامی بر اساس آنچه که آن را اسلام خالص سه قرن نخستین اعلام نموده است. * داعش حکومت خود را مجری احکام الله می‌داند. * داعش دموکراسی را حکومت کفار می‌داند. * داعش در تلاش برای انتشار روزنامه دومی

		<p>برای آگاه‌سازی مردم در خصوص اهمیت خلافت اسلامی و اهداف و نقش آن در احقاق حق به همراه شرح و توضیح علل لزوم بیعت مردم در چارچوب مرز دولت اسلامی و خارج از آن از ابوبکر البغدادی خلیفه مسلمین است.</p>
<p>ذهن نص‌گرای جمودی (نقل‌گرای منافی عقل)</p>	<p>عمل صحیح و مطابق دستور خداوند</p>	<p>* ما از کلام خدا پیروی می‌کنیم. ما معتقدیم که تنها وظیفه بشر پرستش و پیروی از خدا و رسولش است. ما آنچه را که در قرآن آمده انجام می‌دهیم.</p>
<p>ذهن دیگر ستیز، ذهن جامعه ستیز</p>	<p>رفتارهای پرخطر، بی‌هدف، شخصیت ضد اجتماعی</p>	<p>* به دلیل تجاوز جنسی در حبس بوده، خانواده‌اش درباره او می‌گویند او یک جوان عرب بی‌هدف بود که هدف خود را در جنگ عراق در کنار هم‌زمانش یافت (۱۰۸).</p>
<p>اصل ترجیح نقل بر عقل و نفی مطلق ارزش و اعتبار احکام عقلی</p>	<p>استفاده از زبان ایدئولوژیک گزینشی</p>	<p>* مفتی مشهور وهابی فتوای جهاد جنسی نکاح را صادر و پاداش آن را بهشت اعلام نموده است. * سخنان یک عضو داعش: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه آیه ۱۲۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.» * یک عضو داعش: تفسیر کلام الله بر عهده ما نیست. ما به دستور جهاد عمل می‌کنیم. خداوند در سوره بقره می‌گوید کافران را هر جا دیدید بکشید یا تبعید کنید. * اعضای داعش مسلمان خوب را کسی می‌دانند که بی‌چون و چرا از حکم الله پیروی کند و نیازی به اجتهاد و تفسیر نداشته باشد.</p>

<p>ذهنیت کاملاً توجیه شده (باور به بی عدالتی)</p>	<p>درست نیست. منصفانه نیست. تقصیر شماس است. شما شیاطین هستید.</p>	<p>* ابومصعب زرقاوی: «جرقه تا به اینجا در عراق روشن شده است و آتش آن زیانه خواهد کشید - به اذن خداوند- تا زمانیکه ارتش جنگ‌های صلیبی در دابق بسوزاند. * غرب جهان را زیر سلطه خود گرفته و به دنبال سیطره بر همه فرهنگ‌ها و ادیان خارجی است. از دید داعشی‌ها شرایط موجود ناعادلانه است. شرایط فعلی جهان اسلام نتیجه توطئه‌های غرب و دولت‌های غیردینی وابسته به غرب است.</p>
<p>فقه التکفیر</p>		<p>* مسلمان سنی اگر شرب خمر کند، کافر است. کشتن رافضی نه تنها جایز بلکه واجب است.</p>
<p>مرگ پرستی، مرده گرایی</p>	<p>خوی استقبال از مرگ</p>	<p>* داعش اعضای زیادی در کشورهای مختلف برای انجام عملیات انتحاری در اختیار دارد.</p>
<p>خطر به مثابه ارزش (در گروه) تعلق عاطفی شدید به گروه، ذهنیت اصلی گروه وابستگی</p>	<p>هویت گروهی (القای حس هویت گروهی و تعریف شدن در یک گروه) حس تعلق و هیجان ایثار برای گروه</p>	<p>* سربازانی که به عنوان عضو جدید به داعش می‌پیوندند بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرند. به آنها لباس‌های متحدالشکل داده می‌شود و با هم سرود سرزمین مادری یا برادر جهادی می‌خوانند.</p>
<p>پاداش مادی</p>	<p>انگیزش مادی، محرک‌های ذهنی پولی</p>	<p>* حمایت مادی همه‌جانبه از سوی تجهیزکنندگان معارضین در سوریه در جریان است.</p>
<p>پاداش معنوی</p>	<p>شتششوی مغزی و ایجاد باور ورود به بهشت و متمتع شدن از نعمت‌های وعده داده شده الهی</p>	<p>* من پس از منفجر کردن خود از دروازه‌ای وارد بهشت می‌شوم و حوریان بهشتی به استقبال من می‌آیند.</p>
<p>دستکاری ذهنی و صدور ویزای بهشت</p>	<p>آماده سازی ذهنی با باورسازی مذهبی در راستای ایثار در راه</p>	<p>* داعش عوامل انتحاری خود را با عضوگیری از جوانان فلوجه در کمپ‌های مخصوص با معلمان مذهبی و نظامی انجام می‌دهد.</p>

	دین برای رسیدن به پاداش ابدی	
پرخاشجویی بدخیم	شهووت خون، ویران سازی، شقاوت	<p>* پیکارجویان داعش زنان غیرمسلمان را به اسارت می‌گیرند. معتقدین به ادیان دیگر را به صلیب می‌کشند یا سرشان را می‌برند، حتی کودکان را. با قتل عام اسیران هدف خود را به راه انداختن جوی خون از کفار اعلام نموده‌اند.</p> <p>* فیلم‌های ذوب کردن اسرا در اسید، کباب کردن آنها و ذبح کودک سیزده ساله توسط داعش.</p>
استعاره ایمان حقیقی	معتقدان واقعی و غیر واقعی	<p>* داعش مسلمان واقعی را یک جهادی سنی می‌داند که تابع خلافت دولت اسلامی است و بر طبق کلام الله زندگی می‌کند.</p>
نگرش سیاه و سفید/ همه یا هیچ	همه یا خوبند یا بد	<p>* قتل عام ایزدیان توسط نیروهای داعش، کشتار مسیحیان به دست نیروهای داعشی، اعدام شیعیان، داعش تعداد زیادی از فرماندهان خود را به دلیل تلاش برای فرار از جبهه‌های جنگ اعدام کرد.</p>
بحران هویت	در جستجوی رفتاری معنی‌دار برای تعریف خود	<p>* ما جنجگویان آزاد هستیم.</p> <p>* عامل انتحاری داعش پس از دستگیری گفت که قرار بوده شهید و جاودانه شود.</p> <p>* رافائلو پانتوچی می‌گوید: «برخی افراد به آنجا کشیده می‌شوند به این دلیل که در زندگی شان کار چندانی نیست که انجام دهند و جز بیکاری و بی‌عاری کاری ندارند تصاویر پیکارجویانی که که اسنوکر بازی می‌کنند، شیرینی می‌خورند و در استخرهای شنا به هم آب می‌پاشند گاهی نشان می‌دهد که جهاد آن هم بدون مشروبات الکلی در تضاد با تعطیلات دانش‌آموزی نیست. برای جوانانی که در مشاغل دست‌چندم و در شهرهای یکنواخت و خسته‌کننده کار و زندگی می‌کنند برادری شکوه و اسلحه هیجان‌آمیز به نظر می‌رسد. بسیاری از پیکارجویان بلژیکی از</p>

		دورافتاده ترین شهرها می آیند.
ایدئولوژی سلفیه	سه قرن اول اسلام به عنوان برترین قرون	* جنجگویان معارض هدف نهایی خود را تثبیت خلافت اسلامی و احیای اسلام راستین اعلام نموده‌اند.

نگرش‌ها و عقاید (حافظه گذشته‌گرا)

از طریق تحلیل محتوای مصاحبه‌هایی که تاکنون از افراد داعش منتشر شده است می‌توان نظام داعش را یک نظام متصلب و حذف محور دانست. بر اساس نظام شناختی داعش فقط یک اعتقاد درست وجود دارد که خود او متولی آن است و سایر افراد و جوامع بشری در مسیر گمراهی حرکت می‌کنند. حافظه داعش اساساً یک حافظه گذشته‌گراست. استدلال‌های آنان بر همین اساس بسیار افراطی و یک بعدی است.^۱ یکی از اساسی‌ترین منابع شکل دهنده به این نوع حافظه، کلان مقوله «سلفی‌گری» است. سلفی‌گری به عنوان یک خاستگاه شناختی آنچنان اهمیت دارد که اگر ایدئولوژی سلفی از ذهن یک داعشی حذف گردد، او به سختی می‌تواند یک داعشی باشد. داعش بر اساس این ریشه‌شناختی، گویی دارای نرم افزاری اعتقادی است و با تولید نگرش «فقه التکفیر» توانسته است احساسات خشونت‌گرا و باورهای عظیم مذهبی را درهم آمیزد. او بر اساس منبع سلفیسم این ذهنیت را ایجاد نموده است که چون اهل سنت پیرو مکاتب اربعه، جهاد را تعطیل کردند، کافر شدند و انکار حکم الله، کفر محسوب می‌شود. بنابراین سلفیسم مروج و منبع فهم خاصی در داعشی‌ها گشته است.

اصل ترجیح نقل بر عقل و نفی مطلق ارزش و اعتبار احکام عقلی

سلفی‌گری به لحاظ هستی‌شناختی، یک جریان رئالیستی محسوس‌گرا و تجرد‌گریز در توحید ذاتی و عالم غیب به شمار می‌آید که مهم‌ترین آن، نقل‌گرایی به معنای ترجیح نقل بر عقل و التزام به لوازم آن و نیز مرجعیت آن به لحاظ روش‌شناختی است؛ با این توضیح که واژه تقدم را چه به معنای حجیت و استقلال در حکم در نظر بگیریم و چه آن را به معنای اولویت در هنگام تعارض با نقل، لحاظ کنیم و یا به معنای طریقت در فهم وحی به شمار آوریم، سلفی‌گری در شمار قائلان سرسخت به اصل تقدم نقل بر عقل است، بلکه همان‌طوری که تبیین خواهد شد، اساساً حجیت و

۱. برای نمونه مراجعه کنید به مصاحبه حاسنین کاظم گزارشگر هفته‌نامه آلمانی اشپیگل با یکی از عضوگیرهای داعش، هفته‌نامه خبری - تحلیلی صدا، شماره ۱۱، آبان ۱۳۹۳.

استقلال عقل (عقل معیاری، نه عقل مصباحی) را در هر دو قلمرو عقل نظری و عملی باطل می‌شمارد و بر مبنای آن - منهای اجتهاد در فقه و مسائل مستحدثه آن - اجتهاد در اعتقادات را منطقه ممنوعه اعلام می‌کند (سیدنژاد، ۱۳۹۰، ۱۳۸).

از دیدگاه نشانه‌شناسی، نقل و نقل‌گرایی نزد سلفی‌ها از حد تعاریف و تلقی‌های متعارف فراتر رفته و از جایگاه بی‌بدیل هویتی و مقدسی برخوردار شده است؛ هم‌چنان که میزان تدین و خلوص ایمان با ترازوی نقل‌گرایی و حجت‌های نقلی ارزیابی می‌شود. این اصل و رویکرد ناشی از آن، مبنی بر کفایت نقل در حیات انسانی، بر تمام نگرش‌ها و اصول فکری جریان سلفی‌گری حاکم است؛ به گونه‌ای که می‌توان بقیه اصول معرفت‌شناختی آن را با اندکی تسامح به این اصل شاخص برگرداند یا آن‌ها را صورت تفصیلی این اصل به شمار آورد. در واقع این اصل، دستاورد مفروضه تعارض عقل و نقل است که سلفی‌ها آن را راه برون‌رفت از این تعارض قلمداد می‌کنند؛ راه‌حلی که پایه و مبنای اخذ آن را نیز به کتاب و سنت نسبت داده و با استناد به برخی نصوص، معتقدند که به عقل، ایمان ندارند؛ زیرا گمراه‌کننده است. اما به نص شرعی و دلایلی که نص بدان اشاره دارد، ایمان دارند (ابو زهره، ۱۳۸۶، ۵۹۳). بر اساس گزاره اخیر، سلفی‌ها با استشهاد به برخی آیات و نصوص برآنند که: اولاً، انسان از استدلال به نص و براهین قرآنی بی‌نیاز نیست؛ زیرا در قرآن، گونه‌ای از استدلال به همراه تشویق انسان به تأمل در ملکوت آسمان و زمین و کشف اسرار خلقت الهی هست؛ ثانیاً، کتاب و سنت باید میزان عقل و عقلانیت باشد (سالم، ۱۳۸۰، ۳۱)؛ ثالثاً و مهم‌تر از آن اینکه، هیچ برهان عقلی (اعم از فلسفی و کلامی) ارزشمندی نیست که قرآن بدان نپرداخته باشد. به سخن دیگر، هر آنچه براهین عقلی اثبات می‌کنند، بی‌گمان در قرآن و سخن پیامبر نیز آمده است و جز آن همگی گزاره و بیهوده بوده و قرآن و سنت نیز از آن تهی هستند (ابن حزم، ۱۳۸۵: ۷۷).

سلفی‌ها و به طور مشخص ابن تیمیه در آثار مختلف خود با استدلال‌های عقلی فاقد استناد قرآنی یا حدیثی، مخالفت کرده و در تبیین موافقه الصریح المعقول لصحیح المنقول، عقل را فقط در جایی معتبر می‌دانند که با قرآن و حدیث معارض نباشد. ابن تیمیه حتی در مجموعه التفسیر، رجوع به کتاب و سنت در اصول دین را هم لازم دانسته و برای چندین بار یادآور می‌شود که احکام عقلی نیز برگرفته از نص است و تنها قرآن است که برای مطالب الهی، دلایل عقلی بیان می‌کند و با وجود قرآن نیازی به استدلال‌های اهل کلام و حکمت نیست (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۹). سلفیسم به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع و مراجع صدور شناخت در گروه داعش، از طریق

استعاره‌هایی که در اذهان آنان ایجاد می‌کند رشد می‌یابد و تقویت می‌شود. به برخی از این کلان استعاره‌ها در ادامه پرداخته می‌شود.

استعاره توحید واقعی

درحالی که همه مسلمانان به اصل توحید باور دارند، اما این گروه با تفسیر ظاهرگرایانه از برخی آیات قرآن مجید، دیدگاهی ویژه درباره توحید دارند و بنابراین بسیاری از رفتارهای مسلمانان همچون زیارت قبور، توسل به اولیاء و پیامبران، شفاعت، گنبدسازی و غیره را مغایر توحید می‌دانند و اقدام‌کننده به این کارها را کافر یا مشرک می‌شمارند. به گفته بسیاری از فقهای سنی، آنان برداشت نابجا و غیرواقعی از آیات دارند و پاره‌ای احکام درباره بت‌ها و کافران را به موارد دیگر گسترش داده‌اند، درحالی که این قیاس‌ها به چند دلیل باطل است: الف- در این قیاس‌ها، پیامبر یا اولیای خدا، به جای بت‌ها گذاشته شده‌اند؛ ب- مؤمنان و متوسلان به پیامبر اسلام (ص)، همانند بت پرستان و ناباوران به خدا فرض شده‌اند؛ پ- توسل، استغاثه و شفاعت، با واژه «عبادت» هم معنا گرفته شده است، درحالی که هر یک معنای خاص خود را دارد.

استعاره بدعت

با اینکه همه مسلمانان با بدعت در دین مخالفند و آنرا مردود می‌دانند، این گروه باز با تعمیم و بر پایه مصادیق بیرون از عقل و شرع، بسیاری از باورها یا رفتارهای دیگر مسلمانان را بدعت می‌نامند: کارهایی چون برگزاری جشن میلاد پیامبر (ص)، توسل، خواندن فاتحه پس از نمازهای روزانه و غیره درحالی که به گفته مخالفان، هرگاه دلیلی مبنی بر حرمت، وجوب، کراهت یا استحباب عملی از سوی شارع وارد نشده باشد، اصل بر مباح بودن آن است (اصالة الاباحه).

استعاره تکفیر

از دیگر مباحث محوری در اندیشه سیاسی مذهبی آنان تفکیر مخالفان است. آنان بسیاری از مسلمانان را که با ایشان هم عقیده نیستند تکفیر می‌کنند، درحالی که به باور بیشتر مسلمانان، کفر زمانی ثابت می‌شود که انسان با زبان از دین بیزار یا آگاهانه احکام دین را انکار کند و کفر را بر ایمان برتری دهد.

استعاره جهاد

مفهوم «جهاد» و خشونت از جمله دال‌های مهم گفتمان اسلام سیاسی تکفیری- جهادی است. گفتمان اسلام سلفی- تکفیری به گونه‌ای دیگر و با غیریت‌سازی خشن‌تری به خوانش مفاهیم می‌پردازند؛ زیرا عموم سلفی‌گرایان اسلامی بر این باورند که در نصوص مذهبی نوعی روند جهادی وجود دارد. از دیدگاه برخی تحلیل‌گران، حتی اگر در نصوص مذهبی نوعی توصیه به جهاد نیز وجود نداشته باشد، باز فضای عمومی و کلی متن مقدس گویای آن است؛ از این رو گفتمان اسلام‌گرای سلفی- تکفیری در وضعیت دنیای متکثر معاصر، معمولاً به‌طور خودکار خشونت تولید می‌کند و بنابراین نوعی تلازم بین سلفی‌گری و رادیکالیسم در نمونه‌های گوناگون بنیادگرایی اسلامی به چشم می‌خورد (فیرحی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

استعاره شریعت

از منظر گفتمان اسلام سیاسی سلفی- تکفیری، شریعت به مفهوم رجوع به ریشه‌ها و بنیادهای اصیل و کهن اصول اعتقادی است. «این جریان تا اندازه زیادی متأثر از حرکت بیداری اسلامی در تعارض هم‌اوردی با غرب و تحولات مدرنیته است. اصطلاح سلفی‌های جهادی در نوشته‌های معاصر به جریان اخیر داعش و النصره اشاره دارد (آقانوری، ۱۳۹۱: ۲۳۳). به اعتقاد گفتمان اسلام‌گرایان سلفی- تکفیری، احکام شریعت اسلامی جایی برای اجتهاد ندارد و شریعت با تغییر زمان و مکان تغییر نمی‌کند. افزون بر این، دعوت به حاکمیت خدا از طریق تطبیق کامل شریعت در همه ابعادش و پرهیز از سستی و نرم‌خویی در این امر، شاخصه مهم گفتمان اسلام‌گرای سلفی- جهادی است که تقابل آنان را با گفتمان جهانی‌شدن به‌ویژه در بخش احکام اجتماعی و نظام حقوقی بیش از دیگر ابعاد نشان می‌دهد (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

استعاره خلافت و رهبری

این سخن ابوبکر البغدادی که می‌گوید: «من رهبر شما هستم، هرچند که بهترین شما نیستم. پس اگر دیدید که به حق عمل کردم مرا حمایت کنید، و اگر دیدید اشتباه کردم، مرا نصیحت کنید» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ مهر ۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که نه فقط رهبری در گفتمان اسلام سلفی- جهادی دالی مهم و شاخصی اثرگذار است، بلکه آن‌قدر قدرتمند است که در صورت خطا نمودن، دیگران و پیروانش فقط می‌توانند وی را نصیحت کنند و نمی‌توانند با او

مقابله نمایند. در گروهک سلفی داعش و جبهه النصره، رهبری سلسله مراتب سخت گیرانه‌ای دارد. فرماندهان مسئولیت نظارت بر عملکرد نیروهای عملیاتی در مناطق خاص از جمله حمل و نقل بمب‌های انتحاری و چگونگی استفاده از آن را بر عهده دارند. این ساختار منظم ارتباطی به رهبران ارشد آن گروه توانایی خاصی بخشیده است، درحالی‌که بسیاری از تحلیلگران غربی و حتی پژوهشگران در کشورهای اسلامی، اعلام خلافت بغدادی را تمسخر کردند، اما واقعیت آن است که رهبر داعش با این کار نشان داد یک استراتژی را ترسیم کرده است. آنچه درباره حامیان گفتمان اسلام سیاسی سلفی- تکفیری به خصوص داعش کاملاً روشن می‌باشد، این است که آنها خود را متعهد رهبران‌شان می‌دانند (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

بحران هویت

با بررسی اعضای داعش مشخص می‌شود که این افراد نتوانسته‌اند با هنجارهای جامعه خود به صلح برسند و نقشی که خانواده فرد و جامعه او آن را محترم می‌شمارند بپذیرد، وقتی هویت پایمال شده فردی با تصویر تحقیر شده گروهی که شخص متعلق به آن است با هم بیامیزند می‌تواند تأثیرات بسیار عمیقی به جای بگذارد و افرادی را که در حالت معمول می‌توانستند به هنجار باشند و به نوعی آینده روشنی داشته باشند بر می‌انگیزاند و مسیر زندگیشان را تغییر می‌دهد. در نتیجه با عضو شدن در داعش یعنی تروریست شدن هویت منفی را برای خود انتخاب کرده‌اند (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

اولیور روآ پژوهشگر فرانسوی که نوشته‌های بسیار در زمینه اسلام‌گرایی و مسائل خاورمیانه و جهان اسلام دارد، این نکته را که «سنت» و «تجدد» دو مقوله ناهم‌ساز و دیگرستیز هستند که همواره در کشمکش با یکدیگر بوده‌اند، پیش‌فرض قرار می‌دهد. بر این پایه، رویارویی سنت و تجدد در جامعه‌ای شبکه‌ای، به پیدایش بحران هویت در میان برخی گروه‌ها هم‌چون بنیادگرایان و سلفی‌گرایان اسلامی (داعش) منجر شده است. در این فرآیند، «روآ» تجدد را پدیده‌ای تک‌خطی می‌داند که از غرب آغاز شده و همه جوامع باید آن را بگذرانند؛ گرچه نوسازی و تجدد حتی در کشورهای اروپایی و غربی همواره با چالش روبه‌رو بوده که رفته‌رفته از میان برداشته شده است. از دید «روآ»، بنیادگرایی (از جمله داعش) - که تفاوت‌هایی آشکار با اسلام سیاسی دارد - یکی از چالش‌ها در برابر مدرنیته است که در جهان اسلام سربرآورده است (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سیزی، ۱۳۹۴: ۵۶). در همین راستا به نظریه کاستلز نیز می‌توان اشاره داشت. از دید کاستلز،

شبکه‌ای شدن جوامع از عواملی است که به بحران هویت و تلاش برای هویت‌جویی در میان گروه‌های گوناگون دامن زده است. شبکه‌ای شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ در پرتو انفجار اطلاعاتی، از یکسو امید، نوآوری، ثروت انبوه، بهروزی این جهانی و رویاهای شیرین می‌آفریند و از دیگر سو، تنگدستی و سختی و ناامیدی و ناکامی به همراه می‌آورد. از دیدگاه کاستلز، درحالی که جامعه شبکه‌ای که ریشه در بنیادهای لیبرال دموکراسی و جهان مدرن دارد، انسان امروز را به جهان‌گرایی و جهان وطنی فرامی‌خواند، با خیزش هویت‌های جمعی نیرومندی روبه‌روست. او در این زمینه، پیش از همه از بنیادگرایی دینی (اسلامی، مسیحی و غیره) سخن می‌گوید.

کاستلز، هویت‌ها را در دوران اطلاعات به سه دسته کلی تقسیم می‌کند: «هویت مشروعیت‌بخش»، «هویت مقابله» و «هویت برنامه‌دار». هویت مقابله از سوی کسانی دامن زده می‌شود که بر پایه منطق سلطه، بی‌ارزش دانسته شده‌اند و یا داغ‌ننگ بر آنان زده می‌شود. از این رو کارگزاران این گونه هویت، سنگرهایی برای ماندگاری خود و ایستادگی می‌سازند. بنیادگرایان دینی را می‌توان در این دسته جا داد و بررسی کرد. بنیادگرایی اسلامی که در چارچوب نظریه «امت در برابر جاهلیت» آغاز شد، یکی از مهم‌ترین سنگرهای مقابله در جامعه شبکه‌ای شمرده می‌شود. گرچه از دید کاستلز، بنیادگرایی اسلامی ریشه‌های استوار در بنیادهای فکری و آموزه‌های اسلامی دارد، ولی سنت‌گرا نیست، زیرا اسلام‌گرایان همواره در مقاومت اجتماعی و خیزش‌های سیاسی خویش به بازسازی هویت فرهنگی خود پرداخته‌اند؛ چیزی که در واقع پدیده‌ای فرامدرن است. کاستلز نکته‌ای را از بسام طیبی می‌آورد که می‌تواند مؤید گفته او باشد. بسام طیبی بر آن است که پیدایش بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه، با فرآیندهای جهانی شدن، ناسیونالیسم و دولت ملی پیوند متقابل دارد. کاستلز خود نیز تأکید می‌کند که: «بر ساختن هویت اسلامی معاصر به منزله واکنشی علیه نوسازی دسترسی‌ناپذیر (خواه سوسیالیستی، خواه کاپیتالیستی)، پیامدهای زاینبار جهانی شدن و سقوط برنامه ملی‌گرایی مابعد استعماری، شکل می‌گیرد» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۶).

بدین سان، می‌بینیم که از نگاه کاستلز نیز هم‌چون روآ بنیادگرایی اسلامی، گونه‌ای هویت‌جویی است که بیش از آنکه ریشه در سنت‌های اسلامی داشته باشد، واکنشی طبیعی در برابر اصول مدرنیته است. به‌طور کلی نسل سوم و چهارم مهاجران اروپایی به خوبی نتوانسته‌اند جذب فرهنگ و جامعه اروپایی شوند و به همین دلیل بسیاری از تکفیری‌های اروپایی دچار بحران هویت هستند، آن‌ها از یک طرف از فرهنگ، سنت و ارزش‌های زادگاه خویش دور مانده و از طرف دیگر جذب جامعه و

ارزش‌های اروپا نشده‌اند، یا به عبارتی دیگر دولت‌های اروپایی در ادغام آن‌ها ناتوان بودند و این گروه تقریباً در طول سال‌ها به حاشیه رانده شدند.

تفکر سیاه و سفید

داشتن تفکر «همه یا هیچ» و یا این شعار که «یا با ما، یا بر علیه ما» ذهنیت «مطلق‌گرا» و یا «حذف محور» را در آنان راهبری می‌کند که جهان و آدم‌هایش دو دسته‌اند یا دوست و یا دشمن و دسته سومی نمی‌تواند وجود داشته باشد. پیامدهای آسیب‌زای این ذهنیت زمانی در رفتار اعضای داعش بیشتر آشکار می‌شود که به اعدام پزشکان بی‌طرف می‌پردازد و یا اقدام به سربریدن یک باستان‌شناس ۸۲ ساله می‌کند. از رنگ پرچم این گروه که ترکیبی از سیاه و سفید است نیز این مهم نمایان است. این امر در ذات خود زمینه‌ساز شکل‌گیری نگاهی پارانوئیدی در افراد می‌شود به نحوی که دیگران سوءظن دارد و همه را برانداز و دشمن می‌پندارد و برای نابودی این دشمن خودساخته و فرضی مداوم نقشه می‌کشد (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

نقاب ذهنی

به کارگیری نقاب به افراد این امکان را می‌دهد که چهره‌ای دیگر که ممکن است برخلاف ارزش‌ها و باورهای آنان باشد را به نمایش بگذارد و نقش کمک‌کننده برای فرد دارد. به گفته یونگ: «نوعی ماسک دست‌ساز که فرد برای ایجاد نهایت تأثیرگذاری بر دیگران و همین‌طور برای پنهان کردن ماهیت حقیقی از خود ابداع می‌کند». فرد آن نقاب را در ذهن خود ساخته و پرداخته می‌کند و هنگامی که در واقعیت به کار می‌گیرد ذهنیت او به کمک عینیتش می‌آید و فرد در چشم دیگران کاریزماتیک و باجذب به نظر می‌رسد. داعش با به کارگیری نقاب سیاه به ایجاد قدرت‌نمایی و رعب و وحشت می‌پردازد و از این طریق دیگران را به موضع انفعال می‌کشاند.

مرگ پرستی

به عقیده فروید روان انسان عرصه کشاکش دو غریزه زندگی و مرگ است. اروس یا غریزه زندگی، موجب بقا و استمرار حیات می‌شود (صیانت ذات، قوام وجود، توالد و تکثیر نفوس بر اثر این غریزه پدید می‌آیند). تاناتوس یا غریزه مرگ، تمایل به گذشته دارد. خواستار پریشانی، بی‌شکلی، بی‌نظمی و بی‌جانی است و می‌کوشد انسان را به مرحله پریشانی و بی‌سامانی جمادی

بازگرداند. دو گزینه زندگی و مرگ پیوسته با یکدیگر در ستیز هستند (اینیاس لپ، ۱۳۷۵:۲۰۸). فروید واکنش‌های آگاهانه یا غیرآگاهانه بیمارانش را نسبت به مرگ مورد توجه قرار داد. او مشاهده کرد که برخی افراد دیدگاه‌هایی نسبت به زندگی دارند که آشکارا منفی است. افراد مبتلا به بی‌اشتهایی روانی وجود دارند که از خوردن غذا خودداری می‌کنند. این بیماری نشانه آن است که بیماران غالباً رویای مرگ خود و نیز مرگ نزدیکان را می‌بینند ولی آن را به عنوان یک رویای مسرت بخش می‌دانند و نه یک چیز غمناک. چنانچه نتوان به آنها غذا خوراند خودداری آنها از خوردن غذا به مرگ آنها منجر خواهد شد. سایرین تلاش می‌کنند تا با زیاده‌روی در مصرف مشروبات الکلی خود را نابود سازند. فروید که عادت داشت مسائل و امور را کلیت بدهد کوشید تا تمامی رفتارهای خطرناک انسان را به عنوان مظاهر گزینه مرگ به شمار آورد. فروید معتقد است کسانی که در عملیات کوهنوردی، غواصی در عمق آب و اکتشافات بیابان‌ها و جنگل‌های بکر شرکت می‌کنند به طور ناخودآگاه در جستجوی یک راه فرار از زندگی به سوی مرگ هستند. در یک کلمه از نظر فروید و پیروان او هر چیزی که خاصیتی خطرناک داشته باشد، مثل یک خطر جدی یا تلاشی استثنایی، مواردی از پرخاشگری نسبت به خود و جلوه‌ای از تمایل به مرگ است. میل به نابود کردن خود و یا دیگری در تحلیل‌هایی به یک نتیجه می‌رسند. هر دوی آنها جلوه‌های همان خصومت نسبت به زندگی {یا گزینه مرگ} هستند (عبدالملکی، ۱۳۹۴:۱۲۸).

شناخت تاریک و بدبینانه داعش که منبعث از یادبودهای ناخوشایند دوران کودکی و گذشته آنهاست، این مورد را یادآور می‌شود که اساساً این گروه در جاده «گزینه مرگ» در حال حرکت است و «گزینه زندگی» در این افراد کاملاً در انزوا به سر می‌برد. اینکه به راحتی دیگران را گردن می‌زنند و در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌کنند نباید امری ساده همچون بازی یا سرگرمی تلقی شود. شناخت تیره داعش به گفته اریک فروم از خاستگاه «پرخاش جویی بدخیم» می‌آید که با «ویران سازی» و «شقاوت» همراه است. جنایت‌های داعش زمانی که گردن دیگران را می‌زنند و بدن مثله شده را در اینترنت به نمایش می‌گذارند، نشان می‌دهد که به لحاظ ذهنی «شهوت خون» دارند و دشمن زندگی هستند. فروم این نوع از انسان‌ها را در سنخ مَنشی «مرده‌گرا» قرار می‌دهد، چرا که این افراد جذب مرگ، اجساد و تباهی می‌شوند. وی هیتلر را مثال کاملی از سنخ مرده‌گرا می‌داند (فروم، ۱۹۶۴:۲۸۷).

عقده حقارت

به عقیده آدلر ناتوانی در حل مسائل زندگی موجب شکل‌گیری عقده حقارت^۱ در انسان می‌شود. به باور وی وقتی کودک عشق و ایمنی را در خانواده خود تجربه نکند و یا والدین او رویکردی خصمانه نسبت به هم داشته باشند، کودک دچار حی بی‌ارزشی می‌شود و در بزرگسالی برای رفع این احساس دست به جبران‌های خارق‌العاده می‌زند و با عقده برتری جویی^۲ مواجه می‌شود. مصاحبه با گروه‌یادگان به داعش گویای این مطلب است که آنها در یک خانواده فروپاشی شده زندگی کرده‌اند و یا درگیر والدین سرد و بی تفاوت بوده‌اند و برای جبران این خسارت به عضویت گروه داعش درآمده‌اند تا از راهی منفی دست به جبران این کمبود روانی زده باشند.

هدیان عظمت^۳

کسی که دچار بیماری روانی عمده‌ای است که هذیان‌آور و احتمالاً توهم‌زاست، بعید نیست که خیال کند خدا او را برای برخی کارها برگزیده است. هذیان‌های شخص ممکن است در قالب این عقیده جلوه‌گر شوند که او فرشته خداست. نمونه عالی این امر را می‌توان در پژوهش معروف میلتون روکیچ (۱۹۶۴) دید که در آن به بررسی ذهنیت سه مرد پرداخت که به طرق مختلف خود را عیسی مسیح و خدا می‌پنداشتند (وولف، ۱۹۹۷: ۱۸۱-۱۱۵). گروه داعش مبتلا به شناخت وهم‌گرایانه از خود و «خود بزرگ‌پنداری» است. آنها اقدامات جنایتکارانه خود را در جهت اصلاح امور مسلمین می‌دانند و بر این باورند که ماموران خدا هستند و از جانب خداوند به آنها رسالت داده شده است تا کفار و دشمنان خدا را نابود کنند. در مصاحبه‌های متعددی که با آنها شده‌است و در رسانه‌های گوناگون وجود دارد وجود هذیان عظمت را می‌توان تأیید کرد.

هویت گروهی

بسیاری از افراد تعلق به یک گروه تروریستی را اولین تعلق حقیقی خود می‌یابند، اولین باری که حقیقتاً احساس مهم‌شدن می‌کنند و اولین باری که می‌بینند آنچه انجام می‌دهند با اهمیت تلقی می‌شود. بیشتر افرادی که به گروه‌های داعشی می‌پیوندند ذهنیتی آرمانی دارند و خواهان این

1. Inferiority Complex
2. Superiority Complex
3. Delusion of Grandeur

هستند که بر اساس این تفکرات آرمان‌گرایانه در نقش یک قهرمان ظاهر شوند، اما زمانی که در داخل این گروه قرار می‌گیرند و یونیفرم این گروه را بر تن می‌کنند هویت فردی آنها تحت تأثیر فضای عمومی حاکم، در هویت جمعی ادغام می‌شود و همین حس گمنامی باعث می‌شود که با کنار نهادن ذخیره‌های شناختی و ارزش‌های پیشین خود به جای قهرمان در کالبد یک شرور ظاهر شود.

در این خصوص همچنین باید توجه داشت که وقتی فردی به عضویت یک گروه تروریستی در می‌آید، گروه تلاش می‌کند که بر ذهن و مغز فرد نفوذ کرده آن را شستشو داده و وی را کاملاً با خود همراه کند. زمانی که فرد با گروه همراه می‌شود بر روی تمایلات و آرزوهای ذهنی‌اش پا می‌گذارد و ارزش‌ها و افکار مسلط گروه را می‌پذیرد و به اصطلاح دستخوش «تغییر مخاطره‌آمیز» ذهنی می‌شود. برای پاسخ به این سؤال که چرا چنین تغییر مخاطره‌آمیزی رخ می‌دهد فرضیه «خطر به مثابه ارزش» مطرح شده است. این فرضیه پایدارترین و رایج‌ترین تعبیر و تفسیر از پدیده مخاطره‌آمیز بوده است. فرضیه فوق که اساساً به وسیله براون (۱۹۶۵) فرمول‌بندی شد، بر این احتمال تأکید دارد که تمایل به اتخاذ یک تصمیم که حداقل به میزان متوسطی مخاطره‌آمیز باشد، در برخی فرهنگ‌ها یک ارزش تلقی می‌شود (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۰).

تأثیر خانواده به عنوان خاستگاهی برای رشد و نمو افکار و شناخت انسان بدیهی و آشکار است. در تبیین این موضوع در مورد ترویست‌های داعش نیز نمی‌توان از اهمیت خانواده و تربیت غافل شد. هر چند شکل آرمانی زندگی خانوادگی، تصویری آکنده از صمیمیت، عشق و احترام متقابل است، اما واقعیت نشان می‌دهد که فضای درونی بسیاری از خانواده‌ها افکار و شناختی را تولید و بازتولید می‌نماید که به انواع نابهنجاری‌های رفتاری می‌انجامد. به گفته گلس «انسان‌ها در میان خانواده خود بیش از هر جا و هر فرد دیگری هدف قتل، حملات فیزیکی، لگد خوردن و کتک خوردن واقع می‌شوند». زمانی که شناخت فرد از جامعه مکانی برای آزار و حقارت بیشتر باشد پیوندهای عاطفی از بین خواهد رفت و فرد رنج دیده به دنبال «خانواده جایگزین» خواهد گشت. مصاحبه‌هایی که با برخی افراد داعشی صورت گرفته گویای این واقعیت است که در ذهن آنها خانواده جایی برای تأمین حداقل نیازهای عاطفی نیست و به همین دلیل در ذهن خود به شدت در جستجوی رتبه‌ای جدید در فضای روانی جدی هستند. داعش از این ذهنیت ایجاد شده در اعضای خود بهره گرفته و ذهنیتی جدید در آنان ایجاد کرده است. به عنوان بخشی از فرآیند افراطی‌سازی و عضوگیری گروهی، به فرد افراطی شده خویشاوندی ساختگی و دوستی

القایی پیشنهاد می‌شود. روابط خویشاوندگی ساختگی این طور تعریف می‌شود: «مکمل تعهدات خویشاوندی و رابطه با افراد به طوری که آنها درون جهان خویشاوندی قرار بگیرند» (وگنر، ۲۰۰۸: ۲۳۷). این عقیده وجود دارد که افراد عضو شده در گروه داعش پیش از این از یک رابطه خویشاوندی بحرانی رنج می‌برده‌اند و توسط این قبیل خانواده‌هایی که به عنوان جایگزین در نظر می‌گیرند در سازمان تحریک شده‌اند (Post, 1984: 108-111).

خشم و محرومیت اجتماعی

بخش مهمی از ذهنیت گروه‌های تروریستی بر ساخته «احساس محرومیت تحمیل شده مضاعف» است که تولید خشم و خشونت می‌کند. نظریه محرومیت نسبی توسط تد رابرت گر مطرح شد. تد گر نظریه خود را بر اساس این فرض مقدماتی ظاهراً بدیهی که نارضایتی علل اساسی واکنش‌های خشونت‌آمیز است، شروع می‌شود (دلیری، ۱۳۸۲: ۷۲). محرومیت ناظر بر شرایطی نابرابر میان اجزای یک جامعه است؛ شرایطی که در آن برخی از شهروندان و گروه‌ها از امکانات، امتیازات و بهره‌مندی بیشتری نسبت به برخی دیگر برخوردارند و اعضای گروه محروم در قیاس میان وضعیت خود و وضعیت گروه‌های دیگر به احساسی دست می‌یابند که محرومیت نامیده می‌شود. پیدایش چنین احساسی پدیده‌ای مدرن و ناشی از تغییرات و تحولات بنیادین اجتماعات بشری است. البته این احساس در اجتماعاتی که دارای بافت و ساختار سنتی هم چون منطقه خاورمیانه هستند، بیشتر بوجود می‌آید. به نظر می‌رسد مهمترین علت پیدایش محرومیت نسبی در یک نظام اجتماعی توزیع نابرابر امکانات جامعه است (امام جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۸).

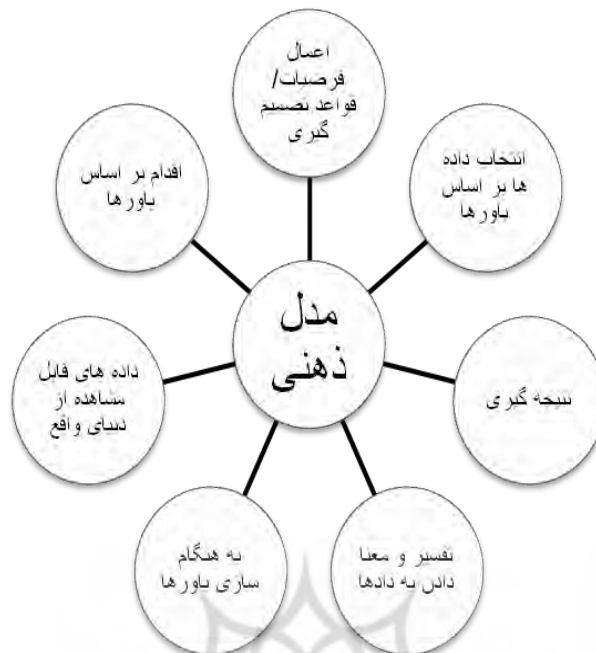
به نظر تد رابرت گر، محرومیت نسبی برداشت افراد از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی آن‌ها است. منظور از توقعات ارزشی اشاره به آن دسته یا سطح مطلوب‌ها است که فرد خود را شایسته به دست آوردن یا حفظ آن‌ها می‌داند. در این خصوص فرد یا گروه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و یا اقتصادی خاصی احساس می‌کند که بر اساس جایگاه و پتانسیل‌هایی که در خود می‌بینند، لیاقت داشتن دسته‌ای از ارزش‌ها را دارد که از آن محروم است (قدیمی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۵). محرومیت نسبی یا مقایسه‌ی وضعیت افراد در جامعه و آرمان‌های انتزاعی که افراد در ذهن خود طراحی کرده‌اند، به نوعی تشدید می‌شود؛ در نتیجه موجب بروز نارضایتی در افراد می‌شود و نارضایتی محرک کلی برای واکنش‌های خشونت‌آمیز علیه محرومیت نسبی است (دلیری، ۱۳۸۲: ۲۸۸). هرچه شکاف میان واقعیت‌های اجتماعی فرد با انتظارات ارزشی وی

بیشتر شود، محرومیت بیشتر احساس می‌شود. البته برای ایجاد محرومیت نسبی در جامعه، دو شرط لازم و کافی ادراک نابرابری و ارزیابی نابرابری باید وجود داشته باشد (سیف‌زاده و گلپایگانی، ۱۳۸۸: ۱۹۷). در نهایت تدگر مدعی است که عمدتاً سرخوردگی افراد در دست‌یابی به اهدافشان در نهایت باعث ایجاد رفتارهای نامتعارف از سوی آنان می‌شود که تروریسم نمود بارز آن است (ریچاردسون، ۲۰۰۱: ۱۰۸؛ جان نثار و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷).

برای فهم اقدامات داعش نیازمند درک مکانیزم فرآیند شکل‌گیری، طراحی، اجرا و تفسیر خشونت سیاسی هستیم. همان‌طور که گفته شد خشونت سیاسی نوعی مقاومت فرهنگی و کنش جمعی است که هدف آن به لحاظ نمادین اجتماعی باشد. این نوع از خشونت چه در آن هنگام که برای دفاع از وضع موجود به کار می‌رود و چه وقتی که در جهت نقد شرایط حاکم صورت می‌گیرد با هدف کسب امتیازات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیش می‌رود و در عین حال می‌تواند انسجام درونی گروه معارضی همچون داعش را در قبال اهداف، روش‌ها و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی خود تقویت و بازتولید کند و از طرف دیگر به ایجاد تنفر، ترس و وحشت در دیگران بیرون از گروه پردازد (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۷۷).

ترسیم مدل ذهنی داعش

مدل‌های ذهنی، انگاشت‌های بسیار عمیق و یا حتی تصاویر و اشکالی هستند که بر فهم ما از دنیا و نحوه عمل ما در مقابل آن اثر می‌گذارد. دنیای واقع و پدیده آن در ذهن انسان جا نمی‌گیرند، برای درک دنیای واقع، تصویر و بدلی ساده شده از آن در ذهن خود ایجاد می‌کنیم که به آن «ذهنیت خود» و یا «مدل ذهنی» می‌گوییم. مدل ذهنی فرد تصور فرد از چگونگی کارکرد دنیای واقع است. مدل ذهنی شامل فرضیات در مورد دنیای واقع، مفاهیمی مجرد از دنیای واقع و روابط بین آنها است. مدل ذهنی مبنای تحلیل، موضع‌گیری و تصمیم‌گیری است (مشایخی، ۱۳۹۳: ۳). کارکرد مدل‌های ذهنی را بدین صورت می‌توان نمایش داد.



در مورد تأثیر مدل‌های ذهنی بگلی^۱ بیان می‌کند که مدل‌های ذهنی، دامی است که بسیاری از افراد در آن اسیرند. مدل‌های ذهنی منفی و خودپنداری افراد را تهدید می‌کنند (خمسه، ۱۳۸۳: ۱۲۱). تأثیر مدل‌های ذهنی به این صورت است که در صورت اعتقاد به یک سری مفروضه‌های بنیادی، این مفروضه‌ها در نقش هدایت‌کنندگی اعمال افراد به ایفای نقش می‌پردازند و از سوی دیگر تأثیرپذیری از آنها بر نحوه برداشت فرد از خود تأثیر می‌گذارد (یانگ و براون، ۲۰۰۱ و بک، فریمن و همکاران، ۱۹۹۰). فعال شدن مدل ذهنی ناکارآمد که در طی سالیان تجارب فردی شکل گرفته‌اند، فرد را مستعد سوگیری در ارزیابی، قضاوت و تفسیر تجارب روزمره می‌کند. به همین دلیل تفاسیر به عمل آمده در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد. به منظور پرهیز از بروز چنین خطاهایی، آگاهی از نحوه تأثیرپذیری مدل‌های ذهنی ناکارآمد ضرورت دارد. در این راستا به باور یانگ^۲ (به نقل از دائمی و جان بزرگی، ۱۳۹۰: ۶۶) پیش از این از خاستگاه‌های شناختی داعش صحبت شد و در چارچوب شناخت اجتماعی انواع داده‌ها برای تفسیر ذهنیت آنان به کمک گرفته شد. می‌توان برای نمایش بهتر این شناخت از ارائه یک مدل ذهنی یاری گرفت که بر اساس داده‌های مستخرج و با استفاده از نرم افزار کمکی Xmind به صورت زیر ترسیم می‌شود.

1. Begley
2. Young



نتیجه‌گیری

خاستگاه‌های شناختی با «الگوهای تفکری»، برای «طرح واره‌های ذهنی» و «مختصات خودپنداری» در ارتباط است. از این رو «تعبیر» افراد از رویدادها به شکل‌گیری مجموعه رفتاری خاص می‌انجامد. خاستگاه شناختی اشاره به نحوه «درک و تفسیر» موضوعات از سوی افراد و منابع و ریشه‌های شکل‌گیری این درک دارد و مصدر پمپاژ کننده «ذهنیت» است و برای درک کنش افراد باید به خاستگاه صدور و ساخت ذهنیت آن مراجعه نمود. بررسی خاستگاه شناختی

یک رفتار که به درک ریشه‌های محرک یک عملکرد می‌پردازد نمی‌تواند صرفاً به مؤلفه‌های بیولوژیکی یا صرفاً محیطی بپردازد. شاید بتوان نقش یکی از این دو را در هر نوع بررسی پررنگ‌تر نمود ولی یک بررسی خاستگاه‌شناسانه در مورد یک مجموعه رفتار خاص، نیازمند در نظر گرفتن فاکتورهای چندجانبه است که ابعاد مختلف آن را در برگیرد و تبیین جامع و دقیق‌تری ارائه نماید. از این رو در این پژوهش که مطالعه خاستگاه شناختی تروریست‌های داعش مد نظر بود تلاش شد تا با نگاهی جامع، بیشتر فاکتورهای مؤثر بر شکل‌گیری ذهن یک داعشی مورد توجه قرار گیرد. با این هدف در ابتدای پژوهش جستار نظری انجام شده به ارائه مدلی منجر شد که فاکتورهای دخیل را در بر می‌گرفت. به منظور این بررسی نیازمند توجه به ظرفیت شناختی یعنی کارکردهای ذهنی از قبیل حافظه، توجه، تمرکز، زبان، یادگیری که به پیش‌بینی نتایج برای رسیدن به استنباط‌های معقول می‌پردازد، بودیم. ظرفیت شناختی را باید همراه با سبک شناختی در نظر گرفت که اشاره به راه‌های فکر کردن دارد و به گرایش‌ها، تعصبات و تمایلات در تصمیم‌سازی‌ها می‌انجامد و باعث می‌شود فرد بر موضوعی تأکید داشته باشد و یا موضوعی دیگر را نادیده بگیرد. بررسی سبک شناختی تروریست‌های افراط‌گرا، بر اساس مؤلفه‌های ظرفیت شناختی آنان، نشان از این دارد که آنان دارای بیشترین «پیچیدگی شناختی» و «کمترین انعطاف شناختی» هستند. همچنین افراط‌گرایان دارای «کمترین تحمل وضعیت ابهام» و متمایل و نیازمند به «یکپارچگی و قطعیت» در امور هستند.

برای مطالعه خاستگاه شناختی گروه داعش و ترسیم مدل ذهنی آن از چارچوب «شناخت اجتماعی» می‌توان استفاده نمود که از انواع «رویکردهای تعاملی» است و در ارتباط با نظریه میدان قرار می‌گیرد که طبق آن شکل‌گیری یک شناخت و به تابع آن کنش و رفتار مبتنی بر آن شناخت، تابعی است از تعامل میان شخص و محیط. بنابراین عوامل درونی و بیرونی هر دو افکار و رفتار انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از این منظر در مطالعه شناختی از تروریست‌های داعش بر بنیاد مؤلفه‌هایی چون زبان، هویت و خویش‌ن، جهت‌گیری‌های روانی بر مبنای خاستگاه زیستی روانی، فرهنگ اجتماعی، استعاره‌ها و گنجینه‌های تفسیری، باورها و نگرش‌ها می‌تواند شکل گیرد. در این چارچوب تأکید بر ایدئولوژی و نظام اندیشگی، نحوه ادراک جهان و جهان‌بینی، استعاره‌ها و شیوه تفسیر و درونی کردن پدیده‌های بیرون، شخصیت کاوی و بررسی روحيات و وضعیت روانی و سازه‌های ذهنی اجتماعی است. هر زمینه فرهنگی و وضعیت اجتماعی در بین افراد یک سیستم، وضعیت و درک بین‌الذهنی خاصی را ایجاد می‌نماید و می‌تواند عقاید،

اسطوره‌ها و باورهای خاصی را ایجاد نماید که بروز یا عدم بروز خشونت را تقویت و یا تضعیف می‌نماید. باورهای خاص کنشگران درباره جهان خارج به آنها انگیزه‌ای می‌دهد که رفتارشان را در این جهان به سمت خاصی سوق می‌دهند. بر همین اساس گفته می‌شود اگر بتوان نوع باور و تفکر بازیگران امنیتی را به یک پدیده و وضعیت تغییر داد، رفتار آنها در نیز در قبال آن تغییر خواهد کرد.



منابع

الف- فارسی

- ابن حزم، (۱۳۸۵)، «سلفی گری»، ترجمه مهدی الهیاری، ماهنامه شکور، شماره ۴۱.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۷۸)، *خشونت و جامعه*، تهران: نشر سفیر.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، *امنیت*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- امام جمعه زاده، سید جواد، رهبر قاضی، محمودرضا و دیگران، (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه میان محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *فصلنامه دانش سیاسی*، سال هشتم، شماره ۱.
- بشلر، ژان، (۱۳۷۰)، *ایدئولوژی چیست؟* ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بلامی، الکس، (۱۳۸۶)، *جوامع امن و همسایگان*، ترجمه محمود یزدان فام، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیرو، آلن، (۱۳۸۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- جان نثار و دیگران، (۱۳۹۴)، «بررسی کارآمدی تئوری محدودیت نسبی تدگر در تحلیل پدیده تروریسم در خاورمیانه»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، تابستان، شماره ۲۳.
- جمالی، جواد، (۱۳۹۰)، «مدل تئوریک تحلیل افراط گرایی»، *آفاق امنیت*، شماره ۱۲.
- خمسه، اکرم، (۱۳۸۳)، «بررسی طرح واردهای نقش جنسیتی و کلیشه های فرهنگی در دانشجویان دختر»، *فصلنامه مطالعات زنان*، سال ۲، شماره ۲.
- دائمی، فاطمه و جان بزرگی مسعود، (۱۳۹۰)، «تأثیر سبک والدینی و روان بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت خود کودکان»، *مجله علوم*، دوره ۵، شماره ۲.
- رایش، والتر، (۱۳۸۱)، *ریشه‌های تروریسم*، ترجمه سید حسین محمدی نجم، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.
- سام دلیری، کاظم، (۱۳۸۲)، «سنجش محرومیت نسبی در نظریه تر رابرت گر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ششم، شماره چهارم.
- سالم، محمد، (۱۳۸۰)، «سلفی و سلفی گری»، ترجمه محمد صلواتیان، *ماهنامه معراج*، شماره ۸.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا، حمدالله اکوانی، محسن شفیعی سیف ابادی، (۱۳۹۴)، «تحلیل گفتمانی جهانی شدن و ظهور اسلام سیاسی سلفی - جهادی در خاورمیانه عربی»، *مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی*، بهار و تابستان، شماره ۷.
- سیدنژاد، سیدباقر، (۱۳۹۰)، «رویکرد شناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی گری»، *فصلنامه*

فلسفه دین، شماره ۱۱.

- صادقی، احمد، (۱۳۸۷)، «اندیشه‌های سیاسی القاعده»، ماهنامه ظهور، شماره ۵۷.
- شکرکن، حسین و دیگران، (۱۳۹۰)، مکتب‌های روانشناسی و نقد آن، انتشارات سمت.
- عباس زاده، محمد، (۱۳۹۱)، «تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۱.
- عباس زاده فتح‌آبادی، مهدی و روح‌الله سبزی، (۱۳۹۴)، «شیوه‌های هویت‌جویی القاعده و داعش»، مجله سیاسی-اقتصادی، زمستان، شماره ۳۰۲.
- عبدالملکی، سعید، (۱۳۹۴)، تحلیل روانشناختی پدیده داعش، با تأکید بر روان‌شناسی سیاسی، تهران: نشر علم.
- فروم، اریک، (۱۳۹۳)، گریز از آزادی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات آزادی.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۷۸)، خشونت سیاسی؛ نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، تهران: پیام امروز.
- قدیمی، مهدی و قاسمی، حامد، (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های شهر زنجان)»، فصلنامه دانش انتظامی زنجان، سال اول، شماره ۴.
- قناعتی‌پناه، احمد، (۱۳۹۵)، «ما در برابر آنها: تحلیلی بر روانشناسی سیاسی گروه تروریستی داعش»، قابل دسترسی در <http://anthropology.ir>.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات / قدرت - هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کریمی، یوسف، (۱۳۹۳)، روانشناسی اجتماعی، تهران: انتشارات ارسباران.
- محمودیان، محمد، (۱۳۹۱)، «تأثیر اندیشه‌های نوسلفیسم بر روند فکری ایدئولوژیک القاعده»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲۷.
- وولف، دیوید، ام، (۱۳۸۶)، روانشناسی دین، ترجمه محمد دهقانی، تهران: انتشارات رشد.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیس، (۱۳۹۱)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

ب- انگلیسی

- Akhter, S. (1999), *The Psychodynamic Dimension of Terrorism*, *Psychiatric Annals*.

- Borum, Randy, (2007), *Psychology of Terrorism*, University of South Florida: [http://world defense review. Com /docs/ psychology of Terrorism](http://worlddefensereview.com/docs/psychology%20of%20Terrorism).
- Dodge, K. & Schwartz, D, (1997), *Social Information Processing Mechanisms in Aggressive Behavior*, in D. Stoff, & J. Breiling, (Eds.), *Handbook of Antisocial Behavior*, New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Crenshaw, M, (1986), *The Psychology of the Self*, L.Z. Freedman & Alexander (EDS), *Perspective on Terrorism*, Wilmington, Delawer: Scholarly Resource.
- Creswell, J, (2003), *Research Design, Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approaches*. 2th Edition, California: Sage Publications.
- Davies, B and Harre, R, (1990), Positioning the Discursive Production of Selves, *Journal for the theory Social Behavior*.
- Erikson, E, (1959), *Identity and the life Cycle, 171. Psychological Issues Monograph 1*, New York: International University Press.
- Ferracuti, F., and F. Bruno, (1981), *Psychiatric Aspects of Terrorism in Italy, In the mad, the bad and the different: Essays in Honor of Simon Dinitz, Edited by I. L. Barak-Glantz and C. R. Huff*. Lexington, MA: Lexington Books.
- Hollway, W, (1989), *Subjectivity and Method in Psychology: Gender, Meaning and Science*, London, Sage.
- Hollway, W, (1995), *Feminist Discourse and women`s Heterosexual Desire*, in S. Wilkinson and Kitzinger, *Feminism and Discourse: Psychological Perspective*, London: sage.
- Hsieh, Hsiu- Fang, Shanon, Sara E, (2005), "Three Approaches to Content Analysis", *Qualitativr Health Research*, Vol. 15.
- John Dollard, Leonard Dobb, Neal Miller, O.H. Mower, and Robert Sears, (1939), *Frustration and Aggression*, New Haven, CN: Institute of Human Relation.
- Justin Frank, (2004), *Bush on the Couch: Inside the Mind of the President*, New York: HarperCollins.
- Lass well, Harold, (1930), *Psychopathology and Politics*, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Lezak, M. D, (1995), *Neuropsychological Assessment*, 3rd ed. New York:

Oxford University Press.

- Millgramm, Stanley (1974), *Obedience to Authority: An Experimental View*, New York: Harper a Row.

- Olsson, P. A. (1988), "The Terrorist and the Terrorized: Some Psychoanalytic Consideration", *Journal of Psychohistory*, No.16.

- Post, J, (1986), "Narcissism and the Charismatic Leader- Follower Relationship", *Political Psychology*, No. 7.

- Potter, J and Wetherell, M, (1987), *Discourse and social Psychology*, London: Sage.

- Richardson, Clare, (2001), Poverty, Political Freedom, and the Roots of Terrorism, Harvard University and NBER, in www.hks.harvard.edu.

- Rosenberg, D., L. Waddell, and S. Smalley, (2002), "A Troubled Teenager's Tragic Flight Plan", *Newsweek*, January 21.

- Satterfield, J. M, (1998), *Cognitive-Affective States Predict Military and Political Aggression and Risk Taking*: Sage Publication.

- Sieck, W. R., L. J. Rasmussen, et al, (2010), *Cultural Network Analysis: A cognitive Approach to Cultural Modeling, Network Science for or Military Coalition Operations: Information Extraction and Interaction*: Sage Publication.

- Sidanius, J, (1985), *Cognitive Functioning and Sociopolitical Ideology Revisited*, Political Psychology.

- Sidanius, J., and F. Pratto, (1999), *Social Dominance: An Intergroup Theory of Social Hierarchy and Oppression*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.

- Skinner, F, B, (2005), *The Writer and His Definition of Verbal Behavior*, Walden two (Indianapolis, in: Hackett Publishing.

- Taylor, M., and E. Quayle, (1994), *Terrorist Lives*. London: Brassey's.

- Young, J. E., Brown, G, (2007), *Young Schema Questionnaire*, Special Edition. New York: Schema Therapy Institute.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی